

بسمه تعالی شأنه

دو نامه از دو استاد:

حاشیه بی بر شرح حال حکیم دانشمند ریاضی: استاد جلال الدین

همایی

و استاد معلم

حبیب آبادی

# میرزا محمد علی اصفهانی

متوفی ۱۳۰۵ هـ . ق



شرح حالی که حضرت فاضل محقق معاصر آقای عبدالحسین حایری دام توفیقه وفضله العالی از استاد دانشمند بزرگوار حکیم عالم ریاضی وخطاط ورسام هنرمند نامدار عهد قاجار میرزا محمد علی حسینی اصفهانی فرزند میرزا اسماعیل اصفهانی قاینی الاصل متوفی ۱۳۰۵ هجری قمری مدفون در امامزاده یحیی طهران رحمة الله تعالی، نوشته اند ودرمجله محترم «وحیده» درج شده است، ازهر حیث بویژه از جهت فهرست مؤلفات و بیان موضوع تألیف و تجزیه و تحلیل مسائل کتاب بانقل نمونه مطالب پاره‌یی از آنها [که یکاش بیشتر و تمامتر نقل کرده بودند] بحدی مستدل و پرفایده و جامع الاطراف بود که جایی برای خودنمایی حرف‌گیران باقی نگذاشت، و مخصوصاً برای این حقیر که از دیرباز عمری دررنج تألیف و تتبع تاریخ و تراجم رجال اصفهان گذرانده و سالیان دراز با این کار عشق ورزیده ام مباحثی بسیار شیرین و دلکش بود، و با این که از حدود پنجاه سال پیش در دوران تحصیل طلبگی نام و ترجمه حال مختصر آن بزرگ عالم محقق را که از

جهت تزلج و براعت و احاطه در فنون ریاضی، بحق و شایستگی او را تالی و ثانی ملا عبدالعلی پیرجندی متوفی ۹۳۴ . ه. می توان شمرد، با تعریف و تمجید و تعظیم فراوان از اساتید فلسفه و ریاضی شنیده و با مؤلفات او آشنا شده بودم، باز در خلال مندرجات مقاله آقای حایری سلمه الله تعالی نکات و ذقایی بود که برای این حقیر مورد استفاده قرار گرفت.

امید است که دامن این قبیل افادات و تحقیقات را از دست ندهند، خاصه با همان روش و شیوه متقن پسندیده عالمانه که بحمدالله از غوغای فضل فروشی و مرض رعونت و خودپسندی جاهلان عالم نما مبرا و پیراسته است. و درخصوص شخص مورد بحث (میرزا محمدعلی اصفهانی) سخت معتقدم و سفارش می کنم که تا ممکن است در طبع و نشر آثار، و لااقل بخش رسائل فارسی او با رعایت الاهم فالاهم بکوشند، و آن تألیفات را که بخط خود او یا خط شاگرد برگزیده اش ملا عبدالله ریاضی متوفی ۱۳۱۱ . ق. عیناً کلیشه و بطور افست طبع کنند، توفیق ایشان و دیگر خدمتگزاران صمیم فرهنگ و یاران یکدل دانش و ادب را از خداوند کریم خواستارم.

\*\*\*

باری زاید بر آنچه در کتاب (المآثر والاثار) نوشته شده است این حقیر اطلاعی مختصر و موثق از احوال (میرزا محمد علی) و خانواده او در اصفهان داشتم که چون بدسترس دیگر کس نبود خواستم ضمیمه مقاله بی کنم که آقای حایری در ترجمه حال او نوشته اند.

### ۱- میرزا اسماعیل قاینی

میرزا اسماعیل قاینی پدر (میرزا محمدعلی) از فضایل سادات محترم اصفهانست که به نجابت و اصالت نسب سیادت، و بداشتن مسلك عرفان و مشرب طریقت ارباب سیر وسلوک معروف بوده، و از طبقه عرفای ممتاز عهد خود بشمار می رفته، و ظاهر این است که خود در جوانی بقصد تحصیل از خراسان به اصفهان آمده و همین جا مقیم و متوطن و متأهل شده است، و میرزا محمد علی و دیگر فرزندان وی همه در اصفهان متولد شده و در این شهر نشو و نما یافته اند.

## ۲- میرزا علی رضا صفای اصفهانی

میرزا محمد علی برادری بنام میرزا علی رضا متخلص به «صفای» داشت که از افاضل اطبا و شعرا و خوشنویسان اصفهان بود و در شعر و شاعری از استادان مسلم قرن ۱۳-۱۴ معاصر مسکین و پرتو و عنقا و عمان و دهقان سامانی و بیضا و آشفته (۱) و گویندگان دیگر اصفهان از آن طبقه بود. در انجمنهای ادبی و شعری اصفهان مانند انجمن ابوالفقر اء (ملا محمد باقر گزی) و انجمن عنقا (میرزا محمد حسین ملک الشعرا) (۲) مرتب حاضر می شد و در ساختن غزلهای طرحی شرکت می جست. دو غزل ذیل نمونه اشعار مسلم محقق اوست که در همان انجمن ها به استقبال غزل طرحی ساخته است.

## غزل صفای

در استقبال غزل طرحی انجمن شعرای اصفهان که از شیخ سعدی بوده است.

متقلب درون جامه ناز چه خبر دارد از شبان دراز

\*\*\*

می سزد گر کنی بعالم ناز	ای بخوبی ز عالمی ممتاز
نکند یاد شکر اهواز	آنکه دیده است لعل شیرینت
تا پریشان نمود زلف دراز	خاطر جمع ما پریشان کرد
ما بدین قبله می کنیم نماز	طاق ابروی تست قبله جان
هم بر این در کینم روی نیار	هم درین ره نهیم پای طلب
تا که کوتاه کرد زلف ایاز	عمر محمود شد از آن کوتاه
بحقیقت رسی ز راه مجاز	سعی کن در طریق کعبه صفای

تازه گردد روان خواجه و شیخ

شعر تو گر برند در شیراز

- ۱- برای ترجمه حال این دسته از شعرای اصفهان رجوع شود بمقدمه دیوان طرب (جلد اول و دوم).
- ۲- برای تاریخ انجمنهای شعرای اصفهان رجوع شود بمقدمه (برگزیده دیوان سه شاعر اصفهان)

## غزل دیگر از صفا

در استقبال غزل شیخ سعدی که در انجمن شعرای اصفهان طرح شده  
بوده است .

شب عاشقان بی دل چه شب دراز باشد  
تو بیا کز اول شب در صبح باز باشد

\*\*\*

شب وصل با توجانا ، نه مقام راز باشد  
که نه عاشق است آنرا که زبان دراز باشد  
ز تو هر چه جور باشد ز تو هر چه ناز باشد

بخرم بجان نگارا چو سر نیاز باشد  
بامید آنکه شاید شبی از درم در آیی  
همه شب دودیده من بره تو باز باشد  
دل و دین و صبر و طاقت همه در ره تو دادم

همه شرط عاشق آنست که پاکباز باشد  
تو اگر هوا پرستی ز مقام عشق بگذر  
که طریق عشقبازی نه ره مجاز باشد

خم طاق ابروی دوست چو قبله صفا شد  
نسزد دگر که رویش بره حجاز باشد

در خاتمه علاوه می کنم که شعرای «صفا» تخلص بسیار داشته ایم ؟ از  
جمله در خود اصفهان چند گوینده در سده ۱۳-۱۴ می شناسیم که «صفا» تخلص  
می کرده اند که یکی از آنها همین میرزا علی رضای صفا فرزند میرزا اسماعیل  
اصفهانی قایینی الاصل است ، و او غیر از «حکیم صفای اصفهانی» ساکن مشهد  
مقدس است که دیوانی از وی بهمت آقای «سهیلی» بطبع رسیده و نیز غیر از  
«صفای زواری» است ، سید عبدالواسع صاحب تذکره انجمن روشن منوفی  
۱۲۸۴ ق ه .

از جمله شعرای معروف «صفا» تخلص «میرزا علی محمد» است برادر

«میرزا جعفر حکیم الهی، لواسانی که وفاتش بنوشته «المآثر والاثار» در سال ۱۲۹۹ قمری هجری است. در خوشنویسی و شاعری هر دو نامبردار بود.

و نیز «میرزا محمد رضا محلاتی» ملقب به سلطان الکتاب فرزند میرزا حبیب الله خاقانی محلاتی شاعر معروف.

صفای سلطان الکتاب خط نستعلیق را بسیار خوش و زیبا می نوشت؛ نمونه خطش حواشی قرآن است در کتابخانه آستانه قدس رضوی علیه السلام مورخ ۱۳۰۴ ق -

و نیز قطعه شیوای بسیار عالی از خط و شعروی دیده ام مربوط بحدائق قتل ناصرالدین شاه قاجار در سنه ۱۳۱۳ قمری هجری.

برای شعرای و صفاء تخلص دیگر رجوع شود به تذکره ریاض الشعراء و مجمع الفصحا و امثال آن والسلام.

۲۲ مردادماه ۱۳۵۰ شمسی و ۲۲ جمادی الاخره ۱۳۹۱ قمری هجری (جلال الدین همایی)

### حضور شریف دانشمند دانش پرور جناب آقای وحیدنیا دامت فضائله العالیه

با نهایت احترام بعرض میرساند که گرامی نامه مورخه (۴۹۱۱۲۱۹) که از جانب سنی الجوانب آن سرور معظم بعنوان اینجانب شرف اصداریافته بود در تاریخ ۴۹۱۲۲۱ رسید و دیده رمد دیده از مطالعه آن قرین روشنی گردید.

درنامه مذکوره شرح احوال مرحوم میرزا محمد علی قاینی را خواسته بودید. آنچه از احوال او در چند موضع، هر یک مختصراً بنظر رسیده و این فقیر آنها را در مکارم الآثار در ضمن سال ۱۳۰۵ قمری نوشته ام همه بر رویهم به مفاد این میشود که: وی فرزند سید اسمعیل حسینی و خود از علماء ریاضی عصر خویش بوده. در کتاب المآثر والاثار (ص ۲۰۰) در عنوانی مخصوص درباره او چنین نوشته: فیلسوفی معتبر و بالخصوص در هندسه و نجوم به استادی مسلم بود از خط نستعلیق او هر کلمه را به چند سطر می بایست ستود. نسخه‌ای از مثنوی رومی، می گویند درسی سال نوشته و به مرحوم حاج معتمدالدوله داده بیشتر اعظم عمر آن مرحوم در اصفهان و تهران گذشته.